

ربط و بی ربط

(مجموعه شعر - دلنوشته)

محمد علی عقیقی

(قدم)



قصیده سرا



قصیده سرا

ربط و بی ربط

(مجموعه شعر - دلنوشته)

محمدعلی مقیمی (قدم)

آماده سازی قبل از چاپ: آرمیتا رفیع زاده

چاپ اول: ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۸-۰۴-۴

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

تلفن: ۶۶۹۷۲۸۷۰

حق چاپ محفوظ است.

پست الکترونیک: ghasidehsara@gmail.com

توضیح عکس روی جلد: سال ۱۳۵۳ - نفرات به ترتیب از چپ به راست: زنده یاد علی

تقوی، محمدعلی مقیمی و علی عزیززاده جان بزمی

سرشناسه	: مقیمی، محمدعلی، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: ربط و بی ربط (مجموعه شعر - دلنوشته، محمدعلی مقیمی (قدم).
مشخصات نشر	: تهران: قصیده سرا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ ص.
شابک	: 978-964-861804-4 : ۳۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۶۱
رده بندی دیویی	: ۸۶۲/۱۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۸۲۰۹۶

فهرست

۱۱	پیش گفتار
۱۵	بخش اول: غزل - قصیده
۱۷	جستجو
۱۸	پدر، مادر، سلام
۲۰	دل‌تنگی
۲۲	بر مزار مادر - لالایی
۲۴	ساحل خیال
۲۵	مه من، ماه من
۲۷	ربط و بی‌ربط
۳۰	تغییر
۳۱	هوای سر
۳۲	می‌توان
۳۴	میهمانی
۳۶	مستی
۳۸	همدلی
۳۹	زیرکی

۴۰	گفت و گو
۴۲	جستجو
۴۳	برف
۴۴	انسان و زندگی
۴۵	کوچه دل
۴۶	رهای (ملودی شکر)
۴۷	بهار
۴۹	م و شادی
۵۰	پرواز
۵۲	باد (منز)
۵۳	سودای ر
۵۴	هجرت
۵۵	در سوگ فراق
۵۷	فلک (گردش زمان)
۵۹	ای عشق
۶۱	آتش عشق
۶۲	مادر
۶۴	بیداری
۶۵	صبوری
۶۶	خودخواهی
۶۸	راز شب
۷۰	صلح
۷۱	پاییز کلاردشت
۷۳	می و خون
۷۵	گفت‌وگوی زبان کوچک و بزرگ
۷۷	مهتاب شبی
۷۸	نقد عمل
۸۰	بیا باب کنیم
۸۱	نابرابری
۸۲	بوسه بر خورشید (کسوف)

۸۳	 من و تو
۸۵	 پندار
۸۷	 جنگل
۸۹	 مادرم لیلا
۹۰	 ای برکشیده جان
۹۱	 آینه آسمان
۹۳	 سمفونی سنگ
۹۴	 بادف
۹۵	 طر
۹۷	 ما را بس
۹۸	 واقعیت خن
۹۹	 کلاغ و ماهور (طنز)
۱۰۰	 همراز
۱۰۲	 دوستی
۱۰۳	 عشق ورزی
۱۰۴	 بیا ای دل
۱۰۵	 مسافر
۱۰۶	 کاش و ایکاش
۱۰۸	 نور و نگاه
۱۱۰	 یاد ایامی
۱۱۱	 مراقبه
۱۱۲	 شریکت هستم
۱۱۳	 عاشقی
۱۱۵	 بهار کرونایی
۱۱۷	 هواخواه
۱۱۸	 برنامه کرونایی
۱۱۹	 بخش دوم: دوبیتی - رباعی
۱۲۱	 سنگ صبور
۱۲۱	 گذرگاه عشق

۱۲۲	شوق و اشک.....
۱۲۲	گزافه‌گویی (طنز).....
۱۲۲	ای روح لطیف.....
۱۲۲	کودک و مادر.....
۱۲۳	غفلت.....
۱۲۳	عشق.....
۱۲۳	رزش نگاه.....
۱۲۴	نمده.....
۱۲۴	وعده.....
۱۲۴	طمع.....
۱۲۵	اشک.....
۱۲۵	مهر گردون.....
۱۲۵	زیبایی (طنز).....
۱۲۶	مژگان ترا.....
۱۲۶	افسونگر.....
۱۲۶	چاله و چاه (طنز).....
۱۲۶	انگور سیاه.....
۱۲۷	منتظران.....
۱۲۷	زیبایی (طنز تلخ).....
۱۲۷	آزادی.....
۱۲۷	آینه دل.....
۱۲۸	شادی.....
۱۲۸	گل شب‌بو.....
۱۲۸	حال و اقبال.....
۱۲۸	طلوع صبح.....
۱۲۹	روشن‌دلی.....
۱۲۹	گره کار.....
۱۲۹	رخسار گلش.....
۱۲۹	وعده حق.....
۱۳۰	در دیده‌ها.....

۱۳۰	تا دیده را.....
۱۳۰	بهاری دیگر.....
۱۳۰	در خانه غریب.....
۱۳۱	که هستم.....
۱۳۱	توبه.....
۱۳۱	سمفونی سنگ.....
۱۳۱	چیستان.....
۱۳۲	ایکاش.....
۱۳۲	ز همه (۱).....
۱۳۲	یک از هزار.....
۱۳۳	مه‌ولات.....
۱۳۳	بیچاره چشم.....
۱۳۵	بخش سوم: دلنوشته‌ها و خاطرات «فیض آباد من».....
۱۳۷	فروپاشی یا توسعه.....
۱۴۴	دیکته.....
۱۴۷	پرواز.....
۱۴۹	ماشین تا بوندن مو (رسمون بافی).....
۱۵۰	عوارض بگیری از دوچرخه.....
۱۵۱	سگ برفی.....
۱۵۳	آدم‌ها.....
۱۵۵	باغ عمارت.....
۱۶۵	نمایش‌ها و تعزیه‌ها.....
۱۶۹	تمنای همه شمول.....

پیش گفتار

سال‌های دورن نه جوانی، جوانی و حتی میانسالی با زمزمه کلمات و الفاظ با معنی و گاه هم بی معنی و شعرگونه با اوزانی نه‌چندان درست گذشت.

روزی پیام کوتاه دخترستانی از اعضای گروه خانوادگی را در آستانه سال نو ۱۳۹۵ خواندم که در آن دفته بود:

«امسال سبین اصلی سفره هفت‌سین مان کم است» و منظورش فقدان پدر بزرگوارشان بود که چندی قبل به رحلت خدا رفته بود.

با خواندن این پیام بغضی گلویم را گرفت و احساس یافتن و نثر منظوم «پدر، مادر، سلام» را تقدیم همه پدر مادرهای سفر کرده نمودم که شامل حال خودم هم می‌شد.

آن‌را در گروه گذاشتم و همین امر آغازی شد که بعد از یک هفته سال کار مداوم فنی، تصمیم گرفتم از فرصت پیش آمده استفاده کنم و با پرهیز از کار جدی و سخت، گاه و بی‌گاه «قدمی» برای دلم بردارم.

گاهی دل‌نوشته‌ای نوشتم و شعری گفتم و برای دوستان فرستادم که ای بسا مایه خنده‌ای شد برای بعضی‌ها که بسیار دوستشان دارم. یک‌بار

یکی از آنان که همواره مشوق من بوده نوشت:

«محمد آقا از شعرهای بسیار خنده‌ام می‌گیرد، البته این خنده خبیثانه نیست، و به علت تضاد بین کاربست استادانه واژه‌های زیبا در برخی ابیات با ناشیگری یا اهمال و کاهلی در رعایت وزن شعر بوده که مایه قُرَح من شده است.»

بعدها، از بازخوردی که از ایشان و بعضی دیگر دوستان گرفتم اشراف کمی - اشرافکی - در اوزان پیدا کردم.

شخصی به نام ... راه درازی در پیش است و باید تلمذ کرد و آموخت تا فهم ... من ... و اجرایی شود.

پیشینه حاصل و کار و ذوق مطالعاتی من به‌گونه‌ای است که راه انتقاد باز است. متتبعین بگویند انتخاب راه ادبیات و شعر برای غیرمتخصصانی مثل من ... مثال ... من یک انتخاب بیراهه است. لذا هیچ ادعایی در این زمینه ندارم.

- دوره‌های ابتدایی و اول متوسطه در فیض‌آباد مرکز شهرستان «مه‌ولات» فعلی که آن‌روزها مرکز «نسر» مه‌ولات از توابع شهرستان تربت حیدریه بود گذشت.

خاطراتی از آن موقع تحت نام «فیض‌آباد من» اواخر سال ۱۳۹۴ نوشتم و به اشتراک گذاشتم تا مگر جوانان عضو از گذشته چندان دور شهر خودآگاهی بیشتری یابند.

دوره دوم متوسطه در مشهد و متعاقب آن سربازی و سپس یکسال آموزگاری در روستای علی‌آباد از توابع آن شهرستان و استعفا و استخدام در شرکت نفت و باز استعفا به دلیل قبولی دانشگاه آن هم پس از یکسال دوره‌های آموزشی و کارآموزی در تهران بود.

متعاقباً تحصیل توأم با کار مخابراتی در تهران و پس از

فارغ‌التحصیلی، مأموریت در اکثر شهرهای ایران و حتی کوهستان‌های کشور برای نصب و راه‌اندازی سیستم‌های رادیوی مایکروویو و سپس طراحی شبکه مایکروویو و درنهایت ارتباطات سیار (موبایل) ادامه پیدا کرد و سرانجام پس از سی سال تلاش و کار سخت، بازنشستگی فرارسید.

با شروعی دیگر در بخش خصوصی در زمینه توسعه موبایل، سیزده سال فعالیت و کار و مشغولیت ذهنی همچنان ادامه یافت.

رای فارغ‌التحصیل رشته الکترونیک (علم و صنعت ایران) پس از این دوره طولانی کار، مابراتی، انجام کار ادبی و شعر، ساده نبوده و نیست و خالی از اشعار و تنبیه نخواهد بود لذا انتقاد و راهنمایی منتقدین را به جان و دل خریدارم.

این مجموعه حاصل تلاش سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ می‌باشد که پس از فراغت از مشغله‌های روزانه زندگی سروده شده است. در پایان صمیمانه از همه عزیزانی که در این مسیر مشوق من بوده‌اند، بخصوص همسر گرامی‌ام که در طول سال‌های زندگی در همه سختی‌ها در کنار من بوده است، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

محمدعلی مهیم «مب - عین - میم»

فدیه

تهران ۱۳۸۸/۱۰/۱۵